

تعارض والدین و نوجوانان

(توصیف، تبیین، مداخله)

تألیف

دکتر محمدرضا اسدی یونسی
عضو هیئت علمی دانشگاه بیرجند

مرضیه سپاهی
کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی



فهرست مطالب

مقدمه	۵
فصل اول: آشنایی با دوره نوجوانی	۷
تعریف دوره نوجوانی	۸
ویژگی‌های نوجوانان	۱۴
تحول جسمی - جنسی نوجوان یا انطباق با تغییرات بلوغ	۱۴
ویژگی‌های نوجوانان تحول شناختی	۲۲
ویژگی‌های نوجوانان - تحول اخلاقی	۳۴
ویژگی‌های نوجوانان - تحول اجتماعی	۳۹
فصل دوم: نوجوان در خانواده	۶۸
تعامل بین والدین و فرزندان در نوجوانی (روابط خانوادگی در نوجوانی)	۷۰
فصل سوم: مفهوم‌سازی تعارض والد - نوجوان	۸۰
تعاریف تعارض	۸۱
ماهیت تعارض	۸۳
اندازه‌گیری تعارض والد - نوجوان	۸۷
فصل چهارم: منابع یا موضوع‌های تعارض والدین و نوجوانان	۹۰
نوجوانان و والدین‌شان بر سر چه موضوعاتی اختلاف و تعارض دارند؟	۹۱
فصل پنجم: عوامل پیشین و مرتبط با تعارض والد - نوجوان	۹۷
عوامل پیشین در تعارض والدین و نوجوانان	۹۸
فصل ششم: نظریه‌های تعارض والد - نوجوان	۱۲۷
نظریه‌های اولیه در مورد تعارض والد - نوجوان (رویکرد روان‌پویایی)	۱۲۸
رویکرد تحولی	۱۳۰
رویکرد رفتارگرایی	۱۴۱
نظریه شناختی اجتماعی	۱۴۳
رویکرد انسان‌گرایی	۱۴۵
رویکرد اجتماعی - فرهنگی	۱۴۶
رویکرد شناختی	۱۴۷

۱۵۰ رویکرد نظام‌ها (سیستم‌ها)ی خانوادگی
۱۵۲ رویکرد سیستم‌ها یا نظام‌های رفتاری- خانوادگی
۱۵۸ فصل هفتم: روش‌های مداخله و درمان تعارض والد- نوجوان
۱۵۹ روش‌های درمان تعارض والدین و نوجوانان
۱۸۵ آموزش و توانمندسازی والدین
۱۹۵ پیوست اول: معرفی و راهنمای نمره‌گذاری پرسش‌نامه سنجش تعارض والد - نوجوان
۱۹۷ پیوست دوم: پرسشنامه سنجش تعارض والدین- نوجوانان (فرم والدین)
۲۰۲ پیوست سوم: پرسشنامه سنجش تعارض والدین- نوجوانان (فرم نوجوان)
۲۰۸ منابع

فصل اول: آشنایی با دوره نوجوانی

تعریف دوره نوجوانی

تعریف لغوی واژه نوجوانی

واژه نوجوانی در فارسی، معادلی برای کلمه لاتین «*adolescence*» در نظر گرفته شده است (پورافکاری، ۱۳۸۷). معنای لغوی «*adolescence*» به معنی «رشد کردن به سوی رسش» (ریبر، ۱۹۸۵) و در «حال بزرگسال شدن» (آقامحمدیان و حسینی، ۱۳۸۴) است.

علاوه بر واژه، *adolescence*، لطف آبادی (۱۳۷۹) واژه نوجوانی را معادل دو اصطلاح دیگر *juvenile* و *teenage* نیز آورده است که در مورد *juvenile* (تازه بالغ) بیشتر مفهوم حقوقی آن مد نظر است و شامل تمام نوجوانان زیر ۱۸ سال که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند، می‌شود.

تعریف دوران نوجوانی

به طور گسترده‌ای دوران نوجوانی به عنوان مرحله‌ای از زندگی که بین کودکی و بزرگسالی قرار گرفته و شامل عناصر رشد زیست‌شناختی و انتقال نقش اجتماعی عمده است، قلمداد می‌شود. اما چون هر دو مفهوم مذکور، در قرن گذشته تغییر کرده‌اند، تعریف دوران نوجوانی، مدت‌هاست که معمایی ایجاد کرده است. نوجوانی در گذشته به طور نسبی، دورانی گذرا بوده است و در برخی جوامع هنوز هم همین‌طور است؛ با این حال، در بسیاری از کشورها، این موضوع در حال تغییر است. بلوغ زودهنگام به طور تقریبی در همه جوامع، شروع نوجوانی را تسریع کرده است، در حالی که درک رشد مداوم، سن نقطه پایانی آن را تا دهه ۲۰ افزایش داده است. به موازات آن، زمان‌بندی تأخیر در انتقال نقش‌ها، از جمله تکمیل تحصیل، ازدواج و پدر و مادر شدن، همچنان ادراکات عمومی را از زمان شروع بزرگسالی تغییر می‌دهد. بدون شک امروزه دوره گذار از کودکی به بزرگسالی طولانی‌تر شده است و نیروهای اجتماعی نوظهور از جمله بازاریابی و رسانه‌های دیجیتال، بر سلامت و رفاه در این سال‌ها تأثیر می‌گذارند. بنابراین تعریف گسترده‌تر و جامع‌تر از نوجوانی برای چارچوب‌بندی مناسب قوانین، سیاست‌های اجتماعی و نظام‌های خدماتی ضروری می‌نماید.

همه جوامع تشخیص می‌دهند که بین کودکی و بزرگسالی تفاوت وجود دارد؛ اما چگونگی تعریف و شناخت این انتقال از کودکی به بزرگسالی در فرهنگ‌ها و در طول زمان متفاوت است.

تعریف دوره نوجوانی از نظرگاه‌های متفاوت

به تعریف دوره نوجوانی از زوایای مختلفی پرداخته شده است. یک ملاک و معیار اساسی که تعداد زیادی به آن توجه کرده‌اند، تعریف زیست‌شناختی از نوجوانی است. تعاریف زیست‌شناختی از

نوجوان، جالب توجه‌اند چرا که ساده‌تر از سایر تعاریف به نظر می‌رسند؛ این‌گونه تعاریف آغاز دوران نوجوانی را با آغاز بلوغ^۱ (رشد به نسبت سریع جسمانی و بالیدگی جنسی^۲) هم‌زمان می‌دانند و در همه آنها شروع بلوغ، نشان‌گر اصلی و شناخته‌شده‌ترین مشخصه (کورتیس، ۲۰۱۵) شروع نوجوانی در نظر گرفته می‌شود (لنسفورد و باناتی، ۲۰۱۸)؛ این تعاریف زیست‌شناختی تا آنجا پیش رفته‌اند که گاهی دو اصطلاح بلوغ و نوجوانی را به جای هم استفاده می‌کنند (کاپلان، ۱۳۸۶)؛ اما با تعریف دوران نوجوانی در قالب واژه‌های زیست‌شناختی، مشکلاتی پدید می‌آید؛ در عمل، بلوغ به تغییرات فیزیولوژیکی اشاره دارد که در جریان رسش جنسی فرد، روی می‌دهند، اما نوجوانی شامل تمام تغییرات و تجارب روان‌شناختی فرد در این دوران نیز می‌شود. امروزه واژه نوجوانی معنای وسیع‌تری داشته و دربرگیرنده بلوغ و رسش عاطفی، اجتماعی، ذهنی و اخلاقی است (شهرآرای، ۱۳۸۴). از طرف دیگر، بین سن شروع بلوغ در کودکان مختلف، تفاوت‌هایی وجود دارد؛ در حال حاضر بلوغ دختران زودرس، بین سنین ۹-۸ سالگی آغاز می‌شود، در حالی که پسران دیررس تغییرات ناشی از بلوغ را تا سن شانزده سالگی نیز نشان نمی‌دهند (آقامحمدیان و حسینی، ۱۳۸۴)؛ از طرف دیگر، اگر بلوغ را به عنوان تعریف دوره نوجوانی در نظر بگیریم، چون علامت زیست‌شناختی آشکاری که حاکی از پایان بلوغ باشد وجود ندارد، باز هم این نکته تأیید می‌شود که نمی‌توان به تعاریف زیست‌شناختی به عنوان تعریف کامل دوران نوجوانی اعتماد کرد.

یکی دیگر از ملاک‌های پرکاربرد برای تعریف دوره نوجوانی، ملاک سن است. برخی، نوجوانی را به عنوان دهه دوم زندگی تعریف کرده‌اند (پترسون و همکاران، ۱۹۹۶ به نقل از آقامحمدیان و حسینی، ۱۳۸۴) یا لیود (۱۹۸۵ به نقل از بیابانگرد، ۱۳۸۸) سنین ۱۳ تا ۲۲ سال را دوره نوجوانی تعریف می‌کند. در سال ۱۹۹۵ انجمن پزشکی نوجوانان (SAM) در آمریکا، یک مقاله در مورد تحقیقات سلامت نوجوانان منتشر کرد که در آن، نوجوانی را به عنوان سنین ۱۰ تا ۲۵ تعریف می‌کند. سازمان بهداشت جهانی^۳ (WHO) «نوجوانان» را به عنوان افراد بین سنین ۱۰ تا ۱۹ سال تعریف می‌کند (ساویر و همکاران، ۲۰۱۸).

سن شناسنامه‌ای ممکن است علامت بی‌دردسری برای تشخیص آغاز و پایان نوجوانی به شمار آید اما شاخص معتبری نیست؛ چرا که در حالی که برخی افراد در سن ۱۴ سالگی به بلوغ نرسیده‌اند، نوجوانانی هم هستند که در سنین پایین‌تر بالغ شده‌اند یا بعضی افراد در سن ۱۸ سالگی ممکن است مستقل زندگی کنند (و لذا بزرگ‌سال محسوب شوند).

رفتن به مدرسه نیز که در تمام فرهنگ‌ها به طور تقریبی همگانی است، به عنوان شاخصی در

1 Puberty

2 Sexual maturation

3 World Health Organization

تعریف دوران نوجوانی به کار برده شده است و در نهایت می‌بینیم که نوجوانی دوره‌ای برای آموختن و تبدیل شدن به یک عضو جامعه قلمداد می‌شود. الدر (۱۹۷۵) و هالینگشید (۱۹۴۹) معتقداند که دوران نوجوانی را می‌توان با زمان ورود به دبیرستان و پایان نوجوانی را نیز با فارغ‌التحصیل شدن از دبیرستان یا دانشکده هم‌زمان دانست. نوجوانی در سن متوسط ورود به دبیرستان، ۱۴ سالگی، آغاز می‌شود و در سن ۱۸ سالگی که همراه با فارغ‌التحصیلی از تحصیلات متوسطه و رایج‌ترین سن بلوغ قانونی در فرهنگ‌های غربی است (یونیسف، ۲۰۱۵ به نقل از کورتیس، ۲۰۱۵)، به پایان می‌رسد. هر چند اکثر کشورهای غربی ساختارهای متفاوتی را برای آموزش متوسطه به کار می‌گیرند که همگی شامل سنین ۱۷-۱۴ سال می‌شود و تحصیلات اجباری به طور معمول تا سن ۱۶ سالگی الزامی است (یونیسف، ۲۰۱۵ به نقل از کورتیس، ۲۰۱۵). اما این معیار هم نمی‌تواند مانند بلوغ و سن، به خوبی، بالیدگی اجتماعی، شناختی و هیجانی شخص را پیش‌بینی کند.

همان‌طور که مشاهده شد، چندین علامت و نه یک علامت خاص از جمله بلوغ، سن، سطح تحصیلات برای تعیین شروع و پایان دوره نوجوانی وجود دارد. نبود یک علامت مشخص که بتوان با مشاهده آن، شخص را به عنوان یک نوجوان معرفی کرد، کار را دشوار کرده‌است. اما به نظر می‌رسد، می‌توانیم این تعریف را بپذیریم که نوجوانی دوره‌ای از زندگی است که با بلوغ و ورود به دوران متوسطه اول و دوم، آغاز می‌شود و زمانی که فرد از نظر اقتصادی به استقلال رسیده و نقش‌های گوناگون بزرگسالان را بر عهده گرفته باشد، پایان می‌یابد. این تعریف هم‌چنین بر دوران گذار بودن نوجوانی که در بسیاری از منابع به آن اشاره شده است نیز تأکید دارد. البته در تأیید این تعریف نیز نباید بیش از حد غلو کرد و محدودیت‌های آن را باید در نظر داشت؛ چرا که شرایط زندگی نوجوانان بسیار گوناگون است و نوجوانان یک گروه همگن نیستند. در میان نوجوانان، شاهد تنوع قومی، فرهنگی، تاریخی، جنسیتی، اجتماعی و اقتصادی و تنوع سبک زندگی هستیم. در تصویری که از نوجوانان ترسیم می‌کنیم نیز باید یک نوجوان خاص یا گروه خاصی از نوجوانان هم جا بگیرد (سانتراک، ۲۰۱۸).

محدوده سنی نوجوانی

در فرهنگ غربی، نوجوانی با سال‌های تین ایج (Teenage) - یعنی سال‌هایی که انتهای آنها به کلمه انگلیسی تین ختم می‌شود (یعنی سن ۱۳ تا ۱۹ سالگی) - یکسان تلقی شده است. اما اخیراً مشخص شده است که دامنه نوجوانی وسیع‌تر است. به بیان دیگر، شروع نوجوانی ممکن است قبل از ۱۳ سالگی و پایان آن بعد از ۱۹ سالگی باشد (بیابانگرد، ۱۳۸۸). در برخی آثار، به طور معمول، سنین ۱۱ یا ۱۳ تا ۱۸ یا ۲۰ سالگی را محدوده سنی دوره نوجوانی به حساب آورده‌اند (لطف آبادی، ۱۳۷۹).

متداول‌ترین تعریف زمانی از نوجوانی شامل سنین ۱۰-۱۸ سال است، اما ممکن است بسته به منبع تعریف، بازه زمانی ۹ تا ۲۶ سال را شامل شود (APA، ۲۰۰۲).

هم‌چنان که در مورد تعریف دوره نوجوانی اتفاق نظر وجود ندارد؛ در مورد محدوده سنی دوره نوجوانی نیز اتفاق نظر کاملی وجود ندارد. جدول شماره ۱-۱ به وضوح این موضوع را نشان می‌دهد. آنچه مسلم است این است که در حال حاضر، نوجوانی بخش بزرگی از دوره زندگی فرد را نسبت به گذشته به خود اختصاص می‌دهد که نتیجه تغییر الگوهای دوران کودکی، کاهش بیماری‌های عفونی، پیشرفت در کاهش فقر، صنعتی شدن و شهرنشینی سریع است (شلگل و بری، ۱۹۹۱).

جدول شماره ۱-۱: ساختارهای زمانی نوجوانی (کورتیس، ۲۰۱۵)

تعریف نوجوانی بر اساس سن	سازمان / نظریه پرداز
زن: ۱۴ تا ۲۵ مرد: ۱۲ تا ۲۱	تعریف تاریخی (۱۴۸۲)
۱۴ تا ۲۴	جی.استنلی هال (۱۹۰۴)
۱۰ تا ۲۵	انجمن پزشکی نوجوانان بیانیه موقعیت (۱۹۹۵)
۱۱ تا ۲۱	آکادمی اطفال آمریکا (۲۰۱۴)
نوجوانان: ۱۰ تا ۱۹ بزرگسالان جوان: ۱۰ تا ۲۴	وزارت بهداشت و خدمات انسانی ایالات متحده (۲۰۱۵) (USDHSS)
پایه نهم تا دوازده	مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری: YRBSS
۱۲ تا ۱۷ یا ۱۵ تا ۱۹	اداره سرشماری U.S. Census Bureau
نوجوانان: ۱۰ تا ۱۹ سال جوانان: ۱۵ تا ۲۴ جوانان: ۱۰ تا ۲۴ سال	سازمان بهداشت جهانی (WHO)

واقعیت این است که آغاز و پایان و طول این دوره در دختران و پسران جوامع مختلف و طبقات گوناگون اجتماعی متفاوت است. این دوران در جوامع ساده‌تر، کوتاه و در جوامع پیشرفته صنعتی طولانی‌تر است. بسیاری از منابع، از مراحل نوجوانی نام برده‌اند و بخش کثیری آن را به سه مرحله اوایل، اواسط و اواخر نوجوانی تقسیم کرده‌اند که به نظر می‌رسد برای سهولت در مطالعه این دوران، کار بسیار خوبی است.

اوایل نوجوانی که از شروع بلوغ تا ۱۴ سالگی را در بر می‌گیرد؛ اواسط نوجوانی که ۱۴ تا ۱۶ سالگی را پوشش می‌دهد و اواخر نوجوانی که از ۱۷ سالگی آغاز می‌شود (لطف آبادی، ۱۳۸۰)؛ اما هم اکنون توافق نظری کلی در مورد زمان پایان نوجوانی وجود ندارد (استینبرگ، ۱۹۹۶).

مراحل نوجوانی

روان‌شناسان معتقدانه که تغییر و تحولات دوره نوجوانی به طور معمول در بین نوجوانان طی سه مرحله مشخص، روی می‌دهد:

مرحله اول: فاصله گرفتن (۱۱-۱۳ سالگی)

بروز رشد جسمی و اولین نشانه‌های بلوغ، با نوعی تمایل طبیعی برای فاصله گرفتن کودک از بزرگسالان، به طور خاص، والدین همراه است. این تمایل می‌تواند در بستن در اتاق یا حمام توسط کودک و یا محرمانه جلوه دادن تغییرات بدن، مشاهده شود. این گونه رفتارهای محرمانه و اختصاصی، نقش روانی - اجتماعی مهمی در پایان دادن به وابستگی‌های کودکانه قبلی به والدین و سایر بزرگسالان ایفا می‌کند. با افزایش این فاصله، کودک می‌تواند با دوستان نزدیک خود راز و رمزهایی را مطرح کند و ارتباط‌های ویژه دوره نوجوانی را با گروه همسالان به دور از والدین و معلمان و دیگر بزرگسالان به وجود آورد. در دوره عادی، این فاصله تا آنجا گسترش می‌یابد که به کشف هویت و جنسیت و سایر جوانب رشد «خود» در آنان منتهی می‌شود.

مرحله دوم: جدایی تدارکاتی (۱۴-۱۶ سالگی)

این مرحله که هسته اصلی نوجوانی و مشکلات آن است، با رشد بیشتر بدنی و جنسی همراه است و سطح عالی‌تری از ادراک «خود» را متجلی می‌کند. رشد مغز و توانایی‌های شناختی نوجوان با درونی شدن حیات عاطفی و ارتباط عمیق‌تر با گروه همسالان، جدایی بیشتر ویژگی‌های روان‌شناختی نوجوان و باورها و ارزش‌های او از والدین و بزرگسالان را به بار می‌آورد. این جدایی هرچند به ندرت جنبه جدایی مکانی نوجوان با والدین و بزرگسالان را پیدا می‌کند، اما به طور معمول یک جدایی روحی،

فکری، ارزشی و رفتاری است و زمینه‌های ذهنی استقلال را برای او فراهم می‌آورد. در همین مرحله، انسجام جنبه‌های مختلف بدنی و جنسی و تصور از خویش به صورت هویت واحد شکل می‌گیرد و پاسخ‌گویی به سؤال اساسی «من کیستم؟» به تدریج در ذهن نوجوان تحقق می‌یابد. در این مرحله، کسب دانش و مهارت‌های لازم برای اشتغال یا برای ادامه تحصیل، به عنوان یک نیاز مهم در تعلیم و تربیت نوجوانان مطرح می‌شود.

مرحله سوم: ورود مجدد به مناسبات اجتماعی (۱۹-۱۷ سالگی)

چنانچه رشد نوجوان در مراحل پیشین به گونه‌ای نسبتاً بهنجار صورت گرفته باشد، در این مرحله آخر نوجوان به تدریج به صورت یک فرد مستقل و خودکفا در مناسبات خانوادگی، آموزشی، شغلی، اجتماعی و فرهنگی ایفای نقش می‌کند و در چنین صورتی می‌توان امیدوار بود که مراحل رشد و پرورش او به درستی انجام شده و او آماده است تا زندگی جوانی و بزرگسالی را با موفقیت آغاز کند و ثمرات رشد و پرورش بیست ساله را در تداوم زندگی خویش آشکار نماید (لطف آبادی، ۱۳۸۰؛ میکوچی، ۱۳۸۴).

جدول شماره ۲-۱: مراحل نوجوانی و چالش‌هایی که نوجوان در هر مرحله با آنها مواجه است (میکوچی، ۱۳۸۴)

اوایل نوجوانی (سنین ۱۱-۱۳)	اواسط نوجوانی (سنین ۱۴-۱۶)	اواخر نوجوانی (سنین ۱۷-۱۹)
انطباق با تغییرات بلوغ یادگیری نحوه به کارگیری قابلیت‌های شناختی جدید پیدا کردن جایگاه خود در بین همسالان کنار آمدن با انتظارات مربوط به جنسیت	تسلط بر مسائل جنسی اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی شکل‌گیری روابط جدید با همسالان برقراری تعادل بین خودمختاری و پاسخ‌گویی	تثبیت هویت تجربه کردن روابط صمیمانه ترک منزل